

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۷/۱

تاریخ تصویب مقاله: ۹۵/۶/۳۱

پیش‌بینی خودتعیین‌گری مذهبی بر اساس سبک‌های دلبستگی

دکتر زهرا نیک‌منش*، دکتر بهمن کرد‌تمینی** و مهدی سرگزی***

چکیده

هدف پژوهش حاضر، پیش‌بینی خودتعیین‌گری مذهبی توسط سبک‌های دلبستگی است. روش پژوهش، توصیفی همبستگی است. نمونه پژوهش شامل ۳۴۶ دانش‌آموز دختر و پسر پایه پیش‌دانشگاهی (۱۸ تا ۲۱ سال) شهرستان زاهدان در سال تحصیلی ۱۳۹۰-۱۳۸۹ بود که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه خودتعیین‌گری مذهبی (ریان و همکاران) و مقیاس دلبستگی (کولینز و رید) استفاده گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، آزمون همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون گام‌به‌گام مورد استفاده قرار گرفت. نتایج همبستگی نشان داد، سبک دلبستگی ایمن با خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر، همبستگی مثبت دارد. سبک دلبستگی اضطرابی با خودتعیین‌گری مذهبی

nikmanesh@ped.usb.ac.ir

* دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)

serdeh58@yahoo.in

** استادیار گروه روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان

mehdisargazi@gmail.com

*** کارشناسی ارشد روانشناسی، سازمان آموزش و پرورش شهرستان زاهدان

خودپذیر، همبستگی معکوس دارد و سبک دلبستگی اجتنابی با خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده، همبستگی مثبت نشان می‌دهد. بر اساس رگرسیون گام‌به‌گام، سبک دلبستگی اجتنابی به میزان ۰/۰۱۲ واریانس سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده را تبیین می‌کند و سبک دلبستگی اضطرابی به میزان ۰/۰۳۷ واریانس سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر را تبیین می‌کند؛ بنابراین، هر چه انگیزه‌های مذهبی درونی‌تر می‌شود، تضاد سبک دلبستگی اضطرابی و اجتنابی با آن بیشتر می‌شود.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، خودتعیین‌گری مذهبی، نوجوانان.

مقدمه

روان‌شناسی دین، تلاشی است تا فرایندهای روان‌شناختی که باورها و رفتار دینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، آشکار سازد. هدف اصلی روانشناسی دین، درک فرایندهای روان‌شناختی است که رفتار و تجربه دینی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ برای این منظور تأثیرات محیطی، شخصی و اجتماعی مدنظر است (ولف^۱، ۱۳۸۶). از جمله موضوعاتی که در روان‌شناسی دین مورد بررسی قرار می‌گیرد، بررسی ریشه‌های پیدایش دین، تحول دینداری، تجربه دینی، دین و شخصیت و پیامدهای گرایش به دین است (ساروگلو^۲، ۲۰۰۲). در این میان، انگیزه‌های مذهبی یا جهت‌گیری مذهبی^۳ و یا خودتعیین‌گری مذهبی^۴ به‌عنوان عاملی جهت تبیین تفاوت در نتایج روان‌شناختی دینداری مدنظر محققان بوده است.

اولین نظریه علمی در این رابطه را آلپورت^۵ مطرح کرده است. طبق نظر آلپورت، شخصی که جهت‌گیری مذهبی درونی دارد، با مذهب خود زندگی می‌کند و انگیزه‌های اصلی را در مذهب می‌یابد. در دین درونی، ایمان یک ارزش غایی و عالی است که به سمت وحدت هستی جهت دارد. این نوع دینداری بالاترین سطح سازش‌یافتگی روان‌شناختی است. شخصی که

1. Wulff

2. Saroglou

3. Religion orientation

4. Religion determination

5. Allport

جهت‌گیری مذهبی برونی دارد، از مذهب‌اش برای رسیدن به اهداف خود استفاده می‌کند. دین بیرونی به صورت کاملاً منفعت‌طلبانه در جهت دست‌یابی فرد به امنیت، پایگاه اجتماعی، آرامش و تأییدی بر سبک زندگی انتخاب شده است و نوعی ایمان نابالغانه است که سطوح بالاتری از کنش‌وری روان‌شناختی ناسالم را به طور نسبی پیش‌بینی می‌کند (قربانی، ۱۳۷۷). با وجود اینکه نظریه جهت‌گیری مذهبی آلپورت باعث انجام پژوهش‌های زیادی شد؛ اما انتقادات بسیاری نیز از مقیاس جهت‌گیری مذهبی او شده است؛ از جمله: «کرک‌پاتریک و شاور»^۱ (۱۹۹۰) بیان می‌کنند که چارچوب ساده انگارانه درونی-برونی را باید وانهاد و رویکردهای پیچیده‌تری را یافت» (ولف، ۱۳۸۶: ۳۴۱). مفهوم خودتعیین‌گری مذهبی نظریه‌ای جدیدتر در بررسی انگیزه‌های مذهبی است که به صورت پیوستاری مطرح گردیده و اشاره به میزان درونی‌سازی باورهای دینی دارد که بر اساس آن، انگیزه‌های انجام کنش‌های مذهبی شکل می‌گیرد (البرزی و جوکار، ۱۳۸۴).

نخستین بار دسی و ریان^۲ در دهه ۸۰ میلادی با نظر داشتن نظریه «درک منبع علیت»^۳ هایدرا^۴ (۱۹۵۸)، مفهوم نظریه خودتعیین‌گری^۵ را مطرح کردند که نوعی نظریه انگیزشی-شناختی است «(دسی و ریان، ۱۹۸۵: ۱۱۱). از نکات مهم نظریه خودتعیین‌گری، اهمیتی است که برای انگیزه‌های بیرونی قائل می‌شود. "به اعتقاد رایان و دسی (۲۰۰۰: ۲۳۶) در خودتعیین‌گری، انگیزه‌های درونی رفتار با بعضی انگیزه‌های بیرونی آن یکپارچه می‌شود؛ بنابراین، انگیزه‌های درونی بسیار مناسب هستند؛ اما انگیزه‌های بیرونی نیز حتماً لازم‌اند."

رایان و دسی (۲۰۰۰) برای خودتعیین‌گری^۶ سبک در نظر گرفته‌اند: بدون تنظیم، تنظیم بیرونی^۱، تنظیم درون‌فکنی شده^۳، تنظیم خودپذیر^۴، تنظیم آمیخته و تنظیم درونی^۵. طبق این

^۱.Krikpatrick & Shaver

^۲.Deci & Ryan

^۳.Perceived locus of causality

^۴.Heider

^۵.Self determination

^۶. External regulation

نظریه، برای بررسی خودتعیین‌گری مذهبی فقط از دو سبک خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده و خودتعیین‌گری خودپذیر که در پیوستار سبک‌های خودتعیین‌گری قرار دارد، استفاده می‌شود (البرزی و جوکار، ۱۳۸۴).

- در سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده نیز همانند تنظیم بیرونی، رفتار تحت تأثیر تشویق و تنبیه قرار دارد؛ با این تفاوت که در خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده، خود فرد تشویق و تنبیه را اعمال می‌کند و از درون کنترل می‌شود؛ اما خودمختار نیستند. در ظاهر دلایل افراد درونی است؛ ولی در واقع فشار احساس گناه، تهدید و یا پاداش، فرد را وادار به کنش خاص مذهبی می‌کند (رفتارهای مذهبی‌شان بر اساس انتخاب خودشان نیست).

- در سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر، ارزش‌های بیرونی در سامانه ارزش‌های فرد، درونی می‌شود و دلایل افراد برای انجام رفتارهای مذهبی به علت اهمیتی است که این رفتارها برای او دارند (البرزی و جوکار، ۱۳۸۴). در این سبک افراد احساس آزادی و خودمختاری بیشتری می‌کنند و رفتار را به‌عنوان ارزش خود پذیرفته‌اند (رایان و دسی، ۲۰۰۰).

نتایج تحقیق باندز^۶ (۲۰۰۸) نشان داد، سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر با بهزیستی روانی، رضایت از زندگی، سلامت روانی و سازگاری روانی ارتباط مستقیم دارد؛ اما ارتباط بین خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده و متغیرهای ذکر شده معنی‌دار نبود. البرزی و جوکار (۱۳۸۴) خودتعیین‌گری مذهبی را در میان دو گروه دانش‌آموزان مدارس تیزهوشان و مدارس

عادی (مقطع راهنمایی) بررسی کردند. طبق نتایج این تحقیق، در زیرمقیاس خودتعیین‌گری خودپذیر بین دو گروه، تفاوت معنی‌داری دیده نشد؛ ولی در مقیاس خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده، دانش‌آموزان تیزهوش نسبت به دانش‌آموزان عادی نمرات بالاتری داشتند. محققان دلیل

¹ Introjected regulation

³ Identified regulation

⁴ Integrated regulation

⁵ Internal regulation

⁶ Bounds

این نتیجه را ذکاوت بیشتر دانش‌آموزان تیزهوش در درک انتظارات دیگران و مقتضیات اجتماعی می‌دانند. دلبستگی^۱ به معنی اعتقاد فرد به اینکه در هر شرایطی مورد حمایت دیگران است، اغلب در حوزه روابط بین فردی مطرح می‌شود (ولف، ۱۳۸۶). دلبستگی از نظر بالبی به‌عنوان یکی از نیازهای بنیادین انسان‌هاست که اشاره بر «ایمان به دیگری» دارد و دارای سه سبک «دلبستگی ایمن^۲، دلبستگی ناایمن اجتنابی^۳ و دلبستگی ناایمن دوسوگرا^۴» است؛ اما عاملی که باعث گسترش بیشتر تحقیقات و نظریه‌ها در مورد دلبستگی شده است، ادامه دلبستگی کودکی تا دلبستگی بزرگسالی است. «الگوهای فعال درونی^۵» مفهومی است که ثبات سبک‌های دلبستگی از کودکی تا بزرگسالی را تبیین می‌کند. این الگوها به‌صورت آگاهانه و عمدتاً غیرآگاهانه در روابط بین شخصی، شناخت‌ها و عواطف را شکل می‌دهند (میکولینسر و شاور^۶، ۲۰۰۷). و همان‌گونه که هازن^۷ بیان می‌کند: «انسان‌ها در هیچ سنی به‌طور کامل از احساس اعتماد نسبت به افراد مهم زندگی آزاد نیستند» (هازن، ۱۹۹۴؛ به نقل از رضانی، شمس‌اسفندآباد، طهماسبی، ۱۳۸۶: ۳۹).

بالبی^۸ معتقد است، نظریه دلبستگی فقط نظریه تحول کودک نیست؛ بلکه نظریه تحول در «گستره حیات» نیز است (خداپناهی و خاکساربلداجی، ۱۳۸۴). به گفته اریکسون^۹ (۱۹۵۹) نخستین، اساسی‌ترین و پایدارترین نیروی حیاتی «خود»، امید است که در مرحله نوباوگی ایجاد می‌شود؛ بدین معنی که دنیا قابل اعتماد است. این احساس امیدواری تعمیم یافته کودک، به

1.Attachment

2.Secure

3.Avoidant insecure

4.Ambivalent Insecure

5. internal working models

6.Mikulincer& Shaver

7.Hazan

8.Bowlby

9.Erikson

ایمانی کامل بدل خواهد شد (ولف، ۱۳۸۶). پژوهش‌هایی که به بررسی ارتباط سبک‌های دلبستگی و دینداری پرداخته‌اند، با توجه به نوع پژوهش نتایج متفاوتی را گزارش کرده‌اند. کرک‌پاتریک^۱ (۲۰۰۵) مطرح می‌کند که افراد دارای انگیزه‌های مذهبی بیرونی، خدا را به عنوان جانشین تصویر دلبستگی مورد استفاده قرار می‌دهند و همان‌گونه که به والدین خود اعتماد کامل نداشته‌اند، به خدا نیز کاملاً ایمان ندارند و از مذهب جهت رفع نیازهای خود استفاده می‌کنند. در واقع تصویر خدا می‌تواند تداوم روابط والدینی اولیه باشد، این روابط تحت عنوان دلبستگی، مفهوم‌پردازی می‌شود.

اندیشمندان نظریه شیئی، روابط با والدین -به‌ویژه با مادر- را اساسی‌ترین عامل شکل‌گیری تصویر خدا معرفی کرده‌اند. فوگل^۲ (۱۹۳۷؛ نقل از ولف، ۱۳۸۶) در بررسی‌های خود به این نتیجه رسید که مادر و خدا چند سالی در پیوند نزدیک با هم باقی می‌مانند و بعد به تدریج از همدیگر جدا می‌شوند. ملانی کلاین^۳ (۱۹۳۲) نقش والدین در رشد کودک و به‌طور خاص، نقش مادر را در دین نشان می‌دهد و بر نظریه شیئی-رابطه تأکید می‌کند (ولف، ۱۳۸۶). نظریه وینی‌کات^۴ (۱۹۵۳) درباره شیء انتقالی توجه محققان مطالعات مذهبی را برانگیخت. پرویسر^۵ (۱۹۷۴) نظریات وینی‌کات را کامل‌تر و به‌صورت طرح نگرش‌های سه‌گانه نگرش خودسرانه^۶ و خیالی، نگرش پندارگرایانه^۷ و نگرش واقع‌گرایانه^۸ مطرح کرد. وینی‌کات و پرویسر معتقدند "زبان مذهبی مناسب‌ترین روش برای توصیف محتویات نگرش پندارگرایانه است؛ زیرا امر متعالی و وجود مقدس از طریق دیدن و شنیدن ظاهری در جهان خارج، به ادراک در نمی‌آید و به‌عنوان خیالات لذت‌بخش هم به طور

1. Kirkpatrick

2. Fogel

3. M. Klein

4. Winnicott

5. Pruyser

6. autistic

7. illusionistic

8. realistic

مستقیم در ذهن ایجاد نمی‌شود؛ بلکه از منطقه‌ی میانی واقعیت و تخیل که خود نوعی فعالیت میانی بشری - نه کاملاً ذهنی و نه کاملاً عینی - است پدید می‌آید" (ولف، ۱۳۸۶: ۴۷۶).

پژوهشگران بسیاری با در نظر داشتن اینکه دینداری و مذهب به‌عنوان دلبستگی عاطفی به خدا مطرح است، در سؤالات و فرضیات پژوهشی خود درصدد یافتن روابط دلبستگی و مذهب هستند. طبق گزارش فلانلی و گالک^۱ (۲۰۱۰) نظریه‌ی دلبستگی می‌تواند ارتباط بین مذهب و سلامت روان را توضیح دهد و نشان داده‌اند که دلبستگی ایمن به خدا، ارتباط مثبتی با سلامت روانشناختی دارد. کاسیبا، گرنکوویست، کاستانتینی و گاتو^۲ (۲۰۰۸) دریافتند که بین سبک دلبستگی ایمن و دلبستگی به خدا ارتباط مثبت وجود دارد. ارتباط بین سبک دلبستگی ایمن و تصویرسازی ذهنی عشق به خدا مثبت است و سبک دلبستگی بی‌سازمان، ارتباطی با وابستگی‌های مذهبی گروه‌های مورد تحقیق ندارد. در هر حال، بیشتر پژوهش‌ها بین دلبستگی ایمن و دینداری ارتباط مثبت نشان دادند (کاسیبا و همکاران، ۲۰۰۸؛ کرک‌پاتریک و شاور، ۱۹۹۰). در جامعه‌ی ما دین‌داری به‌طور کلی گسترش یافته است؛ اما چون سطوح مختلف جهت‌گیری مذهبی - سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی - را شاهد هستیم، تأثیر مذهب در زندگی فردی و اجتماعی دارای پراکندگی زیادی است؛ بنابراین، هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی ارتباط بین سبک‌های دلبستگی و دو سطح متفاوت خودتعیین‌گری مذهبی مطرح شده است.

در واقع سؤال پژوهش حاضر عبارت است از این که، آیا سبک‌های دلبستگی می‌تواند نوع خودتعیین‌گری مذهبی را پیش‌بینی کند؟

¹Galek & Flannelly

²Cassibba, Granqvist, Costantini & Gatto

روش پژوهش

جامعه و نمونه آماری: روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی شهرستان زاهدان در سال تحصیل ۱۳۸۹-۱۳۹۰ جامعه آماری پژوهش را تشکیل می‌دهند. بر این اساس، جامعه آماری پژوهش حاضر تعداد ۳۱۷۶ دانش‌آموز است. بنابر قوانین آموزش و پرورش، شرط سنی برای این پایه تحصیلی بین سنین ۱۸ تا ۲۱ است.

طبق جدول مورگان، تعداد ۳۴۶ دانش‌آموز با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به‌عنوان نمونه انتخاب شدند؛ به این طریق که با تهیه لیست مدارس مقطع متوسطه دارای کلاس پیش‌دانشگاهی شهرستان زاهدان به تفکیک نواحی یک و دو آموزش و پرورش به‌صورت تصادفی تعداد ۱۴ مدرسه (۷ آموزشگاه پسرانه و ۷ آموزشگاه دخترانه) انتخاب شدند. پس از مراجعه به هر مدرسه، یک کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب شد و در نهایت از هر کلاس با توجه به فهرست، دانش‌آموزان مورد نیاز گروه نمونه به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. به این طریق، پرسشنامه‌های پژوهش بر روی گروه نمونه به تعداد ۳۴۶ دانش‌آموز (۱۷۰ دانش‌آموز دختر و ۱۷۶ دانش‌آموز پسر) به اجرا گذاشته شد.

ابزار پژوهش: در این پژوهش از پرسشنامه خودتعیین‌گری مذهبی **SRQ-R**^۱ و مقیاس دلبستگی بزرگسالی **RAAS**^۲ استفاده شده است.

(۱) پرسشنامه خودتعیین‌گری مذهبی **SRQ-R**: این پرسشنامه توسط ریان و همکاران (۱۹۹۳) برای سنجش جهت‌گیری مذهبی تهیه گردیده و از طریق ۱۲ گویه، انگیزه رفتارهای مذهبی را در دو سبک درون‌فکنی شده (گویه‌های شماره ۲، ۳، ۵، ۷، ۱۰، ۱۲) و سبک خودپذیر (گویه‌های شماره ۱، ۴، ۶، ۸، ۹، ۱۱) می‌سنجد. گویه‌ها در مقیاس لیکرت ۴ درجه‌ای از «اصلاً درست نیست» (۱ نمره) تا «کاملاً درست است» (۴ نمره) نمره گذاری شده‌اند و طبق

^۱.Self-Regulation Questionnaire-Religion

^۲.Revise Adult Attachment Scale

دستورالعمل، میانگین هر سبک به‌عنوان نمره آن سبک (مقیاس فاصله‌ای) در نظر گرفته شده است. این مقیاس توسط البرزی و جوکار (۱۳۸۴) به فارسی ترجمه شده و برای بررسی پایایی آن با استفاده از شیوه بازآزمایی -در نمونه ۵۰ نفری از دانش‌آموزان در فاصله یک ماه- برای سبک درون‌فکنی شده ۰/۷۶ و برای سبک خودپذیر ۰/۷۳ و برای کل مقیاس ۰/۸۰ ضریب پایایی به‌دست آمد. روایی پرسشنامه بر پایه روش تحلیل عامل و همبستگی با آزمون خودتعیین‌گری یادگیری بدست آمده است. در تحلیل عامل این پرسشنامه که به روش مؤلفه‌های اصلی و با چرخش وریمکس انجام گرفته است. نسبت KMO برای آرایه همبستگی ۰/۸۲ و ضریب آزمون بارتلت نیز ۱۱۱۷/۹۷ گزارش شده است ($p < 0.01$). بر اساس نمودار Scree و ارزش‌های ویژه بالاتر از یک و چرخش وریمکس، دو عامل سبک خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده و سبک خودتعیین‌گری همانندسازی شده به‌دست آمده است. افزون بر تحلیل عاملی، همبستگی بین ابعاد پرسشنامه خودتعیین‌گری مذهبی با ابعاد خودتعیین‌گری یادگیری (سبک تنظیمی خودمختارانه، سبک تنظیمی کنترل) نیز محاسبه شده است (البرزی و جوکار، ۱۳۸۴).

در تحقیق حاضر برای بررسی اعتبار SRQ-R از روش همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) استفاده شد. برای سبک درون‌فکنی شده ۰/۶۴ و برای سبک خودپذیر ۰/۷۶ به‌دست آمده است.

۲) مقیاس بازنگری شده دلبستگی بزرگسالی^۱ -RAAS-: کولینز و رید^۲ در سال ۱۹۹۰ مقیاس دلبستگی بزرگسالان را که پرسشنامه‌ای خودارزیابی از مهارت‌های بین فردی است، تهیه کردند؛ سپس چند نسخه تجدید نظر شده آن ارائه شد. RAAS-1990 شامل ۱۸ گویه است که سه زیر مقیاس وابستگی^۳، نزدیکی^۴ و اضطراب^۵ را می‌سنجد. هر زیر مقیاس با ۶ گویه در مقیاس

1. Revised Adult Attachment Scale

2. Collins & Read

3. Depend

4. Close

5. Anxiety

لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) مشخص شده است (کولینز و رید، ۱۹۹۰). فنی و نولر (۱۹۹۲) برای تبدیل زیرمقیاس‌های وابستگی، نزدیکی و اضطراب به سه سبک دلبستگی (سبک ایمن، سبک ناایمن اجتنابی و سبک ناایمن اضطرابی) دستورالعمل نحوه نمره‌گذاری ارائه کرده‌اند: میانگین مجموع نمرات گویه‌های دو زیرمقیاس وابستگی و نزدیکی و معکوس نمرات گویه‌های زیرمقیاس اضطراب، به‌عنوان سبک دلبستگی ایمن محاسبه می‌شود. با معکوس نمودن نمرات گویه‌های دو زیرمقیاس وابستگی و نزدیکی و محاسبه میانگین آنها، سبک دلبستگی ناایمن اجتنابی مشخص می‌گردد؛ همچنین میانگین نمرات گویه‌های زیرمقیاس اضطرابی به‌عنوان سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی (دوسوگرا) در نظر گرفته می‌شود. کولینز و رید (۱۹۹۰) همسانی درونی زیرمقیاس اضطراب را ۰/۶۹ و همسانی درونی زیرمقیاس وابستگی را ۰/۷۵ برآورد کرده‌اند. پاکدامن (۱۳۸۰) همسانی درونی مقیاس را در تمامی زیرمقیاس‌ها مساوی یا بیش از ۰/۸۰ و پایایی آن را با استفاده از آزمون مجدد ۰/۹۵ گزارش داده است (پاکدامن، ۱۳۸۰). کرک پاتریک و هازان (۱۹۹۴) در پژوهش طولی خود با روش بازآزمایی در فاصله زمانی ۴ سال، پایایی آزمون RAAS را ۰/۷۰ گزارش کردند. در پژوهش حاضر، برای بررسی اعتبار RAAS از روش ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. بر این اساس، میزان آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس نزدیکی ۰/۶۱، برای زیرمقیاس وابستگی ۰/۵۱ و برای زیرمقیاس اضطراب ۰/۵۹ به‌دست آمد.

داده‌ها از طریق روش‌های آماری همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام و با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS.18 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌های پژوهش

میانگین و انحراف استاندارد سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی و سبک‌های دلبستگی به‌عنوان متغیر ملاک پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی براساس جنسیت

متغیر	سبک‌ها	میانگین	انحراف معیار
خودتعیین‌گری مذهبی	سبک درون‌فکنی شده	۲/۵۷	۰/۵۹
	سبک خود‌پذیر	۳/۵۹	۰/۴۸
دلبستگی	سبک نزدیکی	۳/۵۴	۰/۶۸
	سبک وابستگی	۲/۷۲	۰/۶۰
	سبک اضطراب	۲/۸۸	۰/۷۱

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، به ترتیب میانگین و انحراف معیار برای سبک خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده ۲/۵۷ و ۰/۵۹ و برای سبک خودتعیین‌گری خود‌پذیر ۳/۵۹ و ۰/۴۸ است. برای زیرمقیاس دلبستگی نزدیکی ۳/۵۴ و ۰/۶۸، برای زیرمقیاس دلبستگی وابستگی ۲/۷۲ و ۰/۶۰ و برای زیرمقیاس دلبستگی اضطراب ۲/۸۸ و ۰/۷۱ است.

جهت بررسی فرض نرمال بودن داده‌ها برای سبک‌های دلبستگی و ابعاد خودتعیین‌گری مذهبی آزمون کلموگوروف - اسمیرنوف انجام شد با توجه به مقدار سطح معناداری در تمامی متغیرها که بیشتر از سطح خطای در نظر گرفته ($p \geq 0.05$) است؛ بنابراین، دلیلی برای رد فرضیه صفر وجود ندارد و می‌توان گفت داده‌ها دارای توزیع نرمال هستند و سؤال پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جهت پیش‌بینی سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی بر مبنای سبک‌های دلبستگی، ابتدا به بررسی همبستگی متغیرهای سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی و سبک‌های دلبستگی پرداخته شده است و سپس الگوی پیش‌بینی سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده و خود‌پذیر بر اساس مدل رگرسیون گام‌به‌گام بررسی گردید.

جدول ۲. نتایج همبستگی پیرسون سبک‌های دلبستگی با سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی

سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی		درون‌فکنی شده		خودپذیر	
	ایمن	۰/۰۰۴	*۰/۱۸۶		
سبک‌های دلبستگی	اضطرابی	-۰/۰۸۶	*-۰/۱۹۱		
	اجتنابی	*۰/۱۱۱	۰/۰۲۸		

*p<0.05

همانگونه که در جدول ۲ نشان داده شده است، سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده با سبک دلبستگی اجتنابی ($r=0/111$ ، $p<0/05$) ارتباط مثبت و معنی‌داری دارد؛ اما با سبک‌های دلبستگی ایمن ($r=0/004$ ، $p>0/05$) و دلبستگی اضطرابی ($r=-0/086$ ، $p>0/05$) ارتباط معناداری ندارد. از طرف دیگر، سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر با سبک دلبستگی ایمن ($r=0/186$ ، $p<0/05$) ارتباط مثبت و معنی‌دار دارد، با سبک دلبستگی اضطرابی ($r=-0/191$ ، $p<0/05$) ارتباط منفی و معنادار دارد و با سبک دلبستگی اجتنابی ($p>0/05$)، ارتباط معناداری ندارد. ($r=0/028$)

جدول ۳. نتایج رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده

مدل	R	R2	آماره تغییر		ضرایب غیراستاندارد SD B	ضرایب استاندارد Beta	T
			F	R2 change			
دلبستگی اجتنابی	۰/۱۱	۰/۰۱۲	۴/۸۸*	۰/۰۱۲	۰/۱۵	۰/۳۳	۲/۲۱*

- متغیر ملاک: سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده *P<0.05

مطابق جدول ۳ نتایج رگرسیون گام‌به‌گام نشان داد که سبک دلبستگی اجتنابی وارد معادله رگرسیون گردید و به میزان ۰/۰۱۲ واریانس را برای سبک خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده تبیین

کرد. ضریب بتای استاندارد شده نشان داد که اگر سبک دلبستگی اجتنابی یک انحراف استاندارد تغییر کند، سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده ۰/۱۱ انحراف استاندارد در همان جهت تغییر می‌کند. سایر متغیرها (سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن اضطرابی) شرایط ورود به رگرسیون را نداشتند و از معادله حذف شدند.

جدول ۴. نتایج رگرسیون گام‌به‌گام برای پیش‌بینی سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر

مدل	R	R2	آماره تغییر		ضرایب غیراستاندارد		T
			F	R2 change	B	SD	
دلبستگی اضطرابی	۰/۱۹	۰/۰۳۷	۱۴/۹۵**	۰/۰۳۷	-۰/۵۶	۰/۱۵	-۳/۸۷**

- متغیر ملاک: سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر $P < 0.01$ **

همان‌طور که نتایج رگرسیون گام‌به‌گام در جدول ۴ نشان داده است، سبک دلبستگی اضطرابی وارد معادله رگرسیون گردید و به میزان ۰/۰۳۷ واریانس خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر را تبیین کرد. ضریب بتای استاندارد شده نشان داد که اگر سبک دلبستگی اضطرابی ۱ انحراف استاندارد تغییر کند، سبک خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر ۰/۱۹ انحراف استاندارد در جهت معکوس تغییر می‌کند. سایر متغیرها (سبک‌های دلبستگی ایمن و ناایمن اجتنابی) شرایط ورود به رگرسیون را نداشتند و از معادله حذف گردیدند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر تعیین «نقش پیش‌بینی‌کنندگی سبک‌های دلبستگی در ارتباط با سبک‌های خودتعیین‌گری مذهبی بود».

خودتعیین‌گری مذهبی میزان درونی‌سازی ارزش‌های مذهبی را بررسی می‌کند و شامل دو سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده و خودپذیر است. دل‌بستگی اشاره بر «ایمان به دیگری» دارد و دارای سبک‌های ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن اضطرابی است.

نتایج همبستگی در جدول ۲ نشان داد سبک دل‌بستگی ایمن با خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر همبستگی مثبت دارد. سبک دل‌بستگی اضطرابی با خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر همبستگی معکوس دارد و سبک دل‌بستگی اجتنابی با خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده همبستگی مثبت دارد. همچنین نتایج رگرسیون در جدول ۳ نشان می‌دهد، دل‌بستگی اجتنابی توانسته سبک خودتعیین‌گری مذهبی درون‌فکنی شده را پیش‌بینی کند.

* به نظر میکولینسر و شاور (۲۰۰۷) سبک دل‌بستگی ایمن دارای بیشترین میزان خودمختاری است. طبق مطالعات ویمر، کرنز و الدنبرگ^۱ (۲۰۰۴) افراد دارای سبک دل‌بستگی ایمن، روابط موفق‌تر و مؤثرتری ایجاد می‌کنند؛ همچنین پترسون^۲ (۲۰۰۱) بیان می‌کند، خودارزشی و استقلال از کارکردهای دل‌بستگی ایمن هستند. از سوی دیگر، مطابق با ریان و دسی (۲۰۰۰) و کارگرفرد، سامانی و بهادران (۱۳۸۳) احساس خودمختاری بیشتر، باعث ایجاد انگیزه‌هایی درونی‌تر می‌شود و دسی و ریان (۲۰۰۴) بیان می‌کنند: ارضای نیاز «ارتباط با دیگران» و «استقلال» باعث خودگردانی درونی‌تر می‌شود. طبق آنچه رضانی و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهش خود نتیجه می‌گیرند، افراد با سبک دل‌بستگی ایمن در شناخت هیجانات خود از سایر سبک‌های دل‌بستگی موفق‌تر هستند. این افراد کنترل هیجانی بیشتری دارند و راهبردهای رسیدن به هدف را موفق‌تر عملی می‌سازند و بر طبق نظر ریو (۱۳۸۷) خودتنظیمی دارند. کاسیبا و همکاران (۲۰۰۸) گزارش داده‌اند که سبک دل‌بستگی ایمن نسبت به سبک‌های دل‌بستگی نایمن ارتباط بیشتری با تصویرسازی عشق به خدا دارد؛ بنابراین، می‌توان گفت: دلیل ارتباط مثبت سبک دل‌بستگی ایمن با سبک خودتعیین‌گری خودپذیر این است که سبک دل‌بستگی ایمن رابطه مثبت با خودمختاری،

¹.Weimer, Kerns & Oldenburg

².Peterson

استقلال، ارتباط، خودتنظیمی و عشق به خداوند دارد و این عوامل در خودتعیین‌گری مذهبی خودپذیر بسیار مؤثرند. به علاوه، افراد دلبسته ایمن احساس می‌کنند که در هنگام نیاز، والدین و اطرافیان مهم در دسترس‌اند و از حمایت آنان برخوردار خواهند شد (احساس امنیت ماندگار از والدین)؛ در نتیجه، آسوده‌خاطر به پیگیری انگیزه‌های درونی می‌پردازند.

* یافته‌های فنی و نولر^۱ (۱۹۹۰) و کولینز و رید (۱۹۹۰) بیانگر تعهد پایین افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی است و همچنین عدم اعتماد و عدم شایستگی این افراد به دیگران را نشان می‌دهد. از جمله مواردی که باعث ایجاد انگیزه‌های درونی می‌شود، احساس شایستگی است. ریان و دسی (نقل از ریو، ۱۳۸۷) با مطرح کردن این یافته، شایستگی را احساس مؤثر بودن در تعامل با محیطی که چالش‌های بهینه دارد، تعریف کردند و بیان داشتند: رویدادهایی که ادراک شایستگی را افزایش می‌دهند، به انگیزه درونی کمک می‌کنند. افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی غالباً از رودرویی با چالش‌ها طفره می‌روند؛ چرا که احساس عدم شایستگی داشته و انگیزه‌های بیرونی‌تری در انجام کارهای خود دارند.

عدم اعتماد و روابط محدود افراد دارای سبک اجتنابی، در اعتقادات مذهبی آنان نیز مشاهده شده است. کرک‌پاتریک (۲۰۰۵) معتقد است، افراد دلبسته اجتنابی خدا را دور از دسترس می‌پندارند و از پرداختن به موضوعات مربوط به آن اجتناب می‌کنند. نتیجه می‌گیریم افراد دارای سبک دلبستگی اجتنابی دارای انگیزه‌های مذهبی - بیرونی هستند و پیوسته تلاش دارند تا خودتنظیمی و خودمختاری خود را حفظ کنند؛ به این علت ضمن اینکه دارای خودتعیین‌گری هستند، دارای انگیزه‌های بیرونی در رفتارهای مذهبی خود نیز هستند. در پژوهش حاضر، این سبک دلبستگی توانسته است خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده را به‌طور مثبت پیش‌بینی کند.

¹.Feeney &noller

* مطابق با نتایج جدول ۴ سبک دلبستگی اضطرابی در حالی که با خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده ارتباط ندارد؛ اما توانسته است خودتعیین‌گری خودپذیر را به‌طور معکوس پیش‌بینی کند. این یافته مطابق با شماری از پژوهش‌ها است؛ همانند نتایج اورکی، برقی و بیات (۱۳۹۰) و جان‌بزرگی (۱۳۸۶) که نشان داده‌اند، رابطه مثبت بین اضطراب و جهت‌گیری مذهبی بیرونی وجود دارد. همین‌طور بارثولومی و هورویتز^۱ (۱۹۹۱) و بشارت و شالچی (۱۳۸۶) گزارش کرده‌اند، افراد دارای دلبستگی اضطرابی تمایل به برعهده گرفتن مسئولیت مشکلات اجتماعی دارند، روش‌های منفی را برای خود و روش‌های مثبت را برای دیگران می‌خواهند، محققان دلیل این‌گونه رفتارها را نیاز شدید افراد دلبسته اضطرابی به تأیید دیگران که در نتیجه نگرانی از طرد یا رها شدن به دلیل داشتن تصور منفی از خود ایجاد شده است، می‌دانند؛ تأیید دیگران به‌عنوان انگیزه بیرونی به شدت بر رفتار آنان تأثیر می‌گذارد. به علاوه، بازنمای منفی مدل ذهنی فرد از خود احساس شایستگی و خودمختاری را پایین می‌آورد و بر روابط اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد. میکولینسر و شاور (۲۰۰۷) گزارش کرده‌اند، در میان سبک‌های دلبستگی افراد دارای دلبستگی اضطرابی کمترین میزان خودمختاری را دارند. بنابر نتایج پژوهش حاضر، از آنجا که سبک دلبستگی ناایمن اضطرابی با خودتعیین‌گری درون‌فکنی شده ارتباط معناداری ندارد و از طرفی با خودتعیین‌گری خودپذیر ارتباط معکوس دارد، می‌توان نتیجه گرفت که این سبک دلبستگی، خودتنظیمی اندکی دارد و هر چه انگیزه‌های مذهبی درونی‌تر می‌شود، تضاد سبک دلبستگی اضطرابی با آن بیشتر می‌شود؛ چرا که این افراد می‌ترسند با پذیرش خودشان دیگران را از دست بدهند؛ بنابراین، خود ضعیفی را رشد داده‌اند.

با توجه به نتایج پژوهش، پیشنهاد می‌شود، مراکز مشاوره‌ای، روان‌شناسان و اولیای تعلیم و تربیت جهت فراهم نمودن شرایط برای هر چه درونی‌تر شدن انگیزه‌های رفتار و به طور خاص انگیزه‌های مذهبی، بر ایجاد دلبستگی ایمن در کودکان و همچنین ترمیم دلبستگی‌های ناایمن

¹. Bartholomew & Horowitz

تلاش کنند. همچنین، پیشنهاد می‌شود به دلیل محدود بودن جامعه مورد مطالعه در شهرستان زاهدان و دوره پیش‌دانشگاهی، تعمیم یافته‌ها به جمعیت‌های مشابه با احتیاط انجام شود. این پژوهش حاصل پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی است که با حمایت مالی دانشگاه سیستان و بلوچستان انجام شده است. از تمامی شرکت‌کنندگان در پژوهش، جهت به ثمر رسیدن این کار پژوهشی تقدیر و تشکر می‌شود.

منابع

۱. البرزی، محبوبه؛ جوکار، بهرام (۱۳۸۴). مقایسه خودگردانی مذهبی دانش‌آموزان مدارس تیزهوش با دانش‌آموزان مدارس عادی در شهرستان شیراز. مطالعات روانشناختی، ۱(۲)، صص ۸۳-۹۴.
۲. اورکی، محمد؛ برقی ایرانی، زیبا؛ بیات، شهره (۱۳۹۰). بررسی رابطه جهت‌گیری مذهبی با از خودبیگانگی، افسردگی و اضطراب مرگ دانشجویان دانشگاه پیام نور استان تهران. خلاصه مقالات اولین کنگره روان‌شناسی، دین و فرهنگ، تهران.
۳. بشارت، محمدعلی؛ شالچی، بهزاد (۱۳۸۶). سبک‌های دلبستگی و مقابله با تنیدگی. فصلنامه روان‌شناسان ایرانی، ۳ (۱۱)، صص ۲۲۵-۲۳۵.
۴. پاکدامن، شهلا (۱۳۸۰). بررسی ارتباط بین دلبستگی و جامعه‌طلبی در نوجوانی. مجله علوم روان‌شناختی، ۹ (۴۷)، صص ۲۵-۳.
۵. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۶). جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان. مجله پژوهش در پزشکی، ۳۱(۴)، صص ۳۴۵-۳۵۰.
۶. خداپناهی، محمدکریم؛ خاکساربلداجی، محمدعلی (۱۳۸۴). رابطه جهت‌گیری مذهبی و سازگاری روان‌شناختی در دانشجویان. مجله روانشناسی، ۹ (۳)، صص ۳۲۰-۳۱۰.
۷. رضانی، ولی‌الله؛ شمس‌اسفندآباد، حسن؛ طهماسبی، شهرام (۱۳۸۶). بررسی پیامدهای هیجانی سبک‌های دلبستگی در دانشجویان. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی، ۱(۱)، صص ۳۸-۴۷.
۸. ریو، جان مارشال (۲۰۰۵). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۷). تهران: ویرایش.

9. Ghasemipour Y, Bahrami-Ehsan H, AbbaspourGhahremanlunejad S, Poursharifi H. Mechanism of effectiveness of motivational interviewing on physical activity among patients with coronary heart disease. The third national congress on research in clinical psychology, Tehran, 2011. [Persian].

10. Ghasemipour Y, Bahrami-Ehsan H, AbbaspourGhahremanlunejad S, Poursharifi H. The effectiveness of motivational interviewing on satisfying basic psychological needs of the patients under coronary artery bypass grafting (CABG). *J Clin Psychol.* 2011; 3(2):43-53. [Persian]

۱۱. قربانی، نیما (۱۳۷۷). روانشناسی دین: یک روی‌آورد علمی چندتباری. مجله قیاسات، ۸، صص ۲۲-۴۵.

۱۲. کارگرفرد، مهدی؛ سامانی، سید حمیدرضا؛ بهادران، پروین (۱۳۸۳). رابطه بین عاطفه مثبت پس از تمرین‌های ورزشی با انگیزش درونی، بیرونی و خودمختاری نسبی زنان باردار در دوره دوم حاملگی. مجله المپیک، ۱۲ (۲۷)، صص ۹۸-۸۳.

۱۳. ولف، دیوید ام (۱۹۹۷). روانشناسی دین. ترجمه محمد دهقانی (۱۳۸۶). تهران: رشد.

14. Bounds, B.I. (2008). *The relationship of religiosity and adjustment to college among children of missionaries.* New York, Fordham University.

15. Bartholomew, K., & Horowitz, L. (1991). Attachment styles among young adults: a test of a four category model. *Journal of Personality and Social Psychology*, 61 (2), 226-244.

16. Cassibba, R., Granqvist, P., Costantini A. & Gatto S. (2008). Attachment and God Representations among Lay Catholics, Priests, and Religious: A Matched Comparison Study Based on the Adult Attachment Interview. *Developmental Psychology*: 44, (6), 1753-1763.

17. Collins, N. L., Read, S. J. (1990). Adult attachment, working models, and relationship quality in dating couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 644-663.

18. Deci, E. L. & Ryan, R. M. (1985). *Intrinsic motivation and self-determination in human behavior.* New York: Plenum Press.

19. Deci, E. & Ryan, R. (2004). *Handbook of self-determination research.* Rochester, NY: University of Rochester Press. Available at:

20. Feeney, J.A. & Noller, p. (1990). Attachment style as predictor of adult romantic relationship. *Journal of Personality and social psychology*, 58, 644-663.

21. Feeney, J. A. Noller, P. (1992). *Attachment style and romantic love: Relationship dissolution. Australian Journal of Psychology*, 44(2), Pp. 69-74.
22. Flannelly, K.J. & Galek, K. (2010). *Religion, evolution, and mental health: attachment theory and ETAS theory. Journal of Religion Health*, 49, 337-350.
23. Kirkpatrick, L. A. (2005). *Attachment, evolution, and the psychology of religion. New York: Guilford.*
24. Krikpatrick, L.A. & Shaver, P.R. (1990). *Attachment theory and religion childhood attachment, religious beliefs, and conversion. Journal of the Scientific Study of Religion*, 29, 315-334.
25. Mikulincer, M. & Shaver, P.R. (2007). *Attachment in adulthood: structure, dynamics, and change [Electronic version]. New York: The Guilford Press.*
26. Ryan, R. M. & Deci, E. L. (2000). *Self-determination theory and the facilitation of intrinsic motivation, social development, and well-being. American Psychologist*, 55, 68-78.
27. Saroglou, V. (2002). *Religion and the five factors of personality: a meta-analytic review. Personality and individual differences*, 32(1), 15-25.
28. Peterson, M. (2001). *Attachment style, trust, and exchange orientation: a mediation model. Available at :*
<http://www.library.umaine.edu/theses/pdf/petersonm2001.pdf>
29. Weimer B. L., Kerns K. A. & Oldenburg C. M. (2004). *Adolescents' interactions with a best friend: Associations with attachment style. Journal of Experimental Child Psychology*, 88(1), 102-120.